



استراتژی بمب، موشک و جلاد محکوم به شکست است

سخنرانی مریم رجوی در دومین روز اجلاس جهانی ایران آزاد- اروپا - خاورمیانه در حمایت از

مقاومت

۲۰ تیر ۱۴۰۰

اجلاس بزرگ جهانی ایران آزاد، در دومین روز با شرکت ۱۵ هیأت پارلمانی اروپایی، کانادایی و استرالیایی، پنج مقام سابق عربی و هشت هیأت پارلمانی عربی، در مجموع با بیش از ۷۰ سخنران آغاز گردید. این گردهمایی که با حضور مریم رجوی و هزاران تن از مجاهدین در اشرف ۳ و از طریق آنلاین با ده‌ها هزار نقطه و تجمعات ایرانیان و حامیان مقاومت در ۱۰۵ کشور برگزار گردید.

در این اجلاس هیأت‌های پارلمانی و نمایندگانی از انگلستان، فرانسه، آلبانی، پارلمان اروپا، آلمان، ایتالیا، سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند، سوئیس، ایرلند، بلژیک، پرتغال، هلند، کانادا، استرالیا، اردن، فلسطین، بحرین، کویت، لبنان، یمن، سودان، تونس، مراکش، موریتانی، افغانستان، الجزیره و آذربایجان شرکت و سخنرانی کردند.

سخنرانان بر همبستگی مردم این کشورها با مقاومت ایران برای آزادی و حاکمیت مردمی تاکید کردند و از برنامه ده ماده‌یی مریم رجوی برای یک جمهوری دمکراتیک، صلح‌جو، غیراتمی و مبتنی بر جدایی دین و دولت و حسن همجواری تاکید کردند.

مریم رجوی، در سخنان خود در این اجلاس، به‌کار گماردن رئیسی و تک‌پایه کردن رژیم را یک آرایش جنگی و سرکوبگرانه توصیف کرد که هدفش از یک سو مقابله با قیام‌های مردمی و از سوی دیگر داشتن دست باز در برنامه‌های اتمی و موشکی و جنگ‌افروزی‌های منطقه‌یی و ماجراجویی‌های بین‌المللی است.

مشروح سخنان مریم رجوی در این اجلاس را در این جا می‌خوانید:

هموطنان، دوستان گرامی!

به همه شما که در دومین روز گردهم‌آیی ایران آزاد حضور دارید، بار دیگر از صمیم دل درود می‌فرستم. این گردهم‌آیی برای رساندن پیام مردم ایران به جامعه جهانی و برای یادآوری تعهد ماست.

اراده مردم ایران این است که دیکتاتوری دینی ولایت فقیه، چه با اتمی، چه بی‌اتمی در هر حال سرنگون شود و سرنگون خواهد شد.

پیام ما به جامعه جهانی، مخصوصاً بعد از یکپایه شدن رژیم و قرار گرفتن یک سرجلاد در موضع رئیس‌جمهور، این است که به جلاد اتمی امتیاز ندهید! و به آخوندها که به لبه پرتگاه سرنگونی رسیده‌اند، امداد نرسانید.

اما تعهد ما برپایی یک ایران آزاد است و یک جمهوری دمکراتیک، با جدایی دین از دولت، برابری زن و مرد، خودمختاری ملیت‌های تحت ستم، و یک ایران غیر اتمی.

به شما دوستان ارجمند مردم و مقاومت ایران از اروپا و جهان عرب که در گردهمایی امروز حضور دارید، درود می‌فرستم. شما که برای صلح و دوستی و آزادی و دمکراسی در کنار مردم ایران علیه فاشیسم دینی ایستاده‌اید درود به همه شما.

استراتژی بمب و موشک جلاد

خامنه‌ای در اثنای مذاکرات اتمی، خطوط دیگری را هم به‌طور موازی دنبال کرده است. از جمله: انواع تلاش‌ها با انواع بهانه‌ها برای رسیدن به بمب اتمی و هر چه کمترکردن فاصله زمانی برای رسیدن به سلاح هسته‌یی.

حمله‌های پی‌درپی با موشک و پهپاد به کشورهای همسایه و کشتی‌ها، نفتکش‌ها، تأسیسات و پایگاه‌های آمریکا در منطقه و در عین حال تست واکنش و اراده طرف مقابل.

حملات موشکی و پهپادی به عین‌الاسد و سفارت آمریکا در بغداد و کنسولگری آن در اربیل به یک روش جاری تکراری این رژیم تبدیل شده است و این در حالی است که مردم ایران آب و برق و نان ندارند. بحران برق در حالی است که مردم ایران روی دریای نفت زندگی می‌کنند و به سادگی می‌توان برق مورد نیاز مردم ایران را تولید کرد.

ده‌ها میلیون نفر از این وضعیت، کلافه و خشمگین هستند و هر روز در سراسر ایران، اعتراض‌های آن‌ها را علیه این رژیم می‌بینیم که شعار می‌دهند، مرگ بر خامنه‌ای -مرگ بر دیکتاتور.

خامنه‌ای برای هزینه‌های برنامه اتمی به سفره مردم تهاجم کرده و میلیون‌ها ایرانی را به گرسنگی کشانده است. مگر گران‌بخش بزرگی از صنعت نفت و گاز و پتروشیمی که از سه هفته پیش اعتصاب کرده‌اند، حرف‌شان چیست؟ آن‌ها دیگر آه در بساط ندارند. آن‌ها دیگر نمی‌خواهند ستم و سرکوب ادامه پیدا کند.

خامنه‌ای هزینه‌های هنگفت سپاه پاسداران و ارگان‌های امنیتی، اطلاعاتی و نیروهای نیابتی در عراق و سوریه و لبنان و یمن را از جیب مردم ایران می‌پردازد و با این غارتگری‌هاست که در ۸ سال ریاست جمهوری آخوند روحانی ارزش پول ایران در برابر دلار که شاخص قدرت خرید واقعی مردم است، نزدیک به ۸ برابر تنزل کرده است.

انتصاب رئیسی، جلاد قتل‌عام

در مورد شعبده انتخابات رژیم باید بگویم که نشان‌دهنده یک سرجلاد قتل‌عام ۶۷ بر صندلی ریاست جمهوری و تک‌پایه‌کردن رژیم، کاری تصادفی و حساب نشده نیست. این جبر خامنه‌ای بود و از دو سال پیش برای آن زمین‌سازی می‌کرد.

این یک آرایش جنگی و سرکوبگرانه در مقابل قیام‌هاست. این دست باز داشتن در برنامه‌های اتمی و موشکی است و این پرکردن جای قاسم سلیمانی در جنگ‌افروزی در منطقه و ماجراجویی‌های بین‌المللی است.

رئیسی، مطیع‌ترین و سر به راه‌ترین است، چون جلادترین است.

هیچ میدانی برای مانور و زاویه گرفتن با خامنه‌ای در مقام پدرخوانده داعش چه شیعه، چه سنی و اصلی‌ترین حامی تروریسم در جهان امروز ندارد. یک قلم دست او به خون ۳۰ هزار زندانی سیاسی در ایران در سال ۶۷ آغشته است که بیش از ۹۰ درصد آن‌ها از مجاهدین بودند. البته این غیر از هزاران اعدام قبلی و بعدی طی این ۴۰ سال است.

مردم ایران شعبده انتخابات این رژیم را تحریم کردند و حالا حرفشان این است که باید آخوند رئیسی به جرم ارتکاب جنایت علیه بشریت حسابرسی و محاکمه شود.

افشاگری‌های اتمی مقاومت ایران

حالا سوال این است که در برابر رژیم حاکم بر ایران و استراتژی شرورانه آن مسئولیت مبرم جامعه

جهانی چیست؟

آیا اصولاً جامعه جهانی مسئولیتی دارد یا می‌تواند با «باری به هر جهت» یا محکومیت‌های صوری و بیانیه‌های سیاسی بی‌محتوا و تکراری از کنار آن بگذرد؟

بگذارید یادآوری کنم که مقاومت ایران در سال ۱۳۶۹ به مذاکرات سری سران رژیم دست یافت که در آن رفسنجانی می‌گفت برای بقای نظام باید به بمب اتمی دست پیدا کنیم. در ۲۰ مرداد ۱۳۸۱ هنگامی که مقاومت ما برای اولین بار پروژه اتمی رژیم را در نطنز و اراک افشا کرد، ما مجدداً اعلام کردیم که رفسنجانی رئیس جمهور وقت رژیم، در جلسه شورایی عالی امنیت رژیم تصریح کرده است: «دستیابی به سلاح اتمی مهم‌ترین تضمین برای بقای ماست و در این صورت کشورهای غربی نخواهند توانست جلوی نفوذ و پیشروی انقلاب اسلامی را بگیرند».

بعد از مرگ خمینی هم، خامنه‌ای سرنوشت خود و نظام‌اش را به برنامه اتمی گره زده است. همان‌طور که خمینی سرنوشت خودش را به جنگ با عراق گره زده بود.

در مقابل، مقاومت ایران از سال ۱۳۷۰ با افشاگری‌های پی‌درپی، برهم زدن طرح رژیم را در دستور کار خود قرار داد و در سال ۱۳۸۱ سری‌ترین و مهم‌ترین سایت‌های اتمی رژیم را در معرض آگاهی تمام جهان قرار داد.

سران رژیم بارها اقرار کرده‌اند، که این افشاگری تأثیر تعیین‌کننده در دورکردن رژیم از بمب داشته است. این افتخاری برای مقاومت ایران است که به یمن فداکاری اعضا و هواداران‌اش در داخل ایران بیش از تمام دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی اثرگذار بوده و مانع دستیابی رژیم آخوندی به بمب اتمی شده است.

دور تسلسل فریبکاری و مماشات

در دو دهه گذشته کنش و واکنش کشورهای غرب با رژیم آخوندها در دور تسلسلی از فریبکاری و مماشات خلاصه شده است. یعنی درحالی‌که رژیم فریبکارانه برنامه اتمی‌اش را پنهان می‌کرد، جامعه جهانی در مقابل می‌خواست با امتیاز دادن و مماشات، پروژه اتمی رژیم را متوقف و یا مهار کند.

بعد از افشای سایت‌های سری نطنز و اراک، دولت‌های غربی نه تنها اقدام قاطع متقابلی نکردند، بلکه مدتی بعد مذاکراتی همراه با دادن امتیازهای سیاسی و اقتصادی مهم به رژیم را شروع کردند. پاسخ ما هم با بمباران و خلع سلاح و یک لشکرکشی در فرانسه و دستگیری ۱۸۵ نفر از اعضای

مقاومت در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ داده شد، که دوپلین و خرازی بر سر آن در تهران، توافق کرده بودند. هم‌چنان‌که جک استرا و روحانی هم در مورد بمباران مجاهدین در عراق گفتگو و معامله کرده بودند.

در مورد مذاکرات آن زمان، بعدها آخوند روحانی در کتاب خود نوشت: «در همان زمانی که در تهران با اروپایی‌ها در حال گفتگو بودیم، داشتیم تجهیزات را در اصفهان نصب می‌کردیم. و با ایجاد یک فضای آرام، ما توانستیم کار در مورد اصفهان را به اتمام برسانیم». دغلکاری این رژیم را می‌بینید؟ در عوض دولت‌های اروپا از دادن بسته‌های تشویقی گوناگون به رژیم خسته نمی‌شدند. و البته هر چه به رژیم می‌دادند، می‌گفت کم است.

برای مثال تروئیکای اروپا در رویکرد شرم‌آوری در سال ۱۳۸۳ پذیرفت که به نام‌گذاری ظالمانه مجاهدین در لیست تروریستی ادامه دهد، تا شاید آخوند خاتمی یعنی رئیس‌جمهور به اصطلاح اصلاح‌طلب بتواند جاه‌طلبی‌های اتمی ولی‌فقیه رژیم را مهار کند.

اما پاسخ خامنه‌ای به آن‌ها روی کار آوردن احمدی‌نژاد و شکستن لاک و مهر سایت‌های اتمی و جهش دادن به برنامه بمب‌سازی در سال بعد بود.

اما به‌رغم همه این معاملات و توطئه‌ها، اما مقاومت ایران، با صدها افشاگری بساط بمب‌سازی این رژیم را برهم زده است.

در سال ۱۳۹۲ آخوندها به‌خاطر تحریم در وضعیتی بودند که به قول رفسنجانی و روحانی با بالاترین تورم در منطقه، با نرخ ۴۲ درصد روبه‌رو بودند، و در این وضعیت بود که به توافق نیم‌بند اتمی تن دادند.

به‌دنبال آن، دست‌کم ۱۰۰ میلیارد دلار از پول‌های توقیف‌شده به رژیم برگردانده شد. در مقابل هم آخوندها، از بازارهای اروپا و آمریکا وسیعاً برای تهیه تجهیزات اتمی استفاده کردند.

رژیم هم مثل همیشه دست باز پیدا کرد و قیمت داد و ستد با غرب را از مجاهدین گرفت و با قتل‌عام در اشرف توسط مزدوران سپاه قدس و سردرژخیم قاسم سلیمانی، ۵۲ قهرمان اشرفی را با دست‌های بسته اعدام کرد و ۷ نفر نیز گروگان گرفته شدند که هنوز از سرنوشت آن‌ها خبری نیست.

با همه این جنایت‌ها و رذالت‌ها، مردم و مقاومت ایران اراده کرده‌اند که دیکتاتوری دینی ولایت فقیه را با اتمی یا بدون اتمی سرنگون کنند و چنین خواهد شد.

خامنه‌ای در مسیر ساختن بمب

یادتان هست که در توافق سال ۱۳۹۴ کشورهای ۵+۱ مشوق‌ها و امتیازهای بسیاری به رژیم دادند، از حفظ برنامه غنی‌سازی تا کنار گذاشتن ۶ قطعنامه شورای امنیت تا ارسال پول نقد. با این امتیازها، رژیم وارد عملیات پنهانی تکمیل برنامه اتمی خود شد. و تیم اصلی محققان تسلیحاتی خود را فعال و دست نخورده نگه داشت. صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی رژیم اعتراف کرد که در راکتور آب سنگین اراک لوله‌های مخزن سوخت آن با بتون پر شد، و همزمان رژیم مخفیانه لوله‌های مشابهی خریداری و حفظ کرده بود و از این عملیات فقط خود او و خامنه‌ای مطلع بوده‌اند. (۱)

وقایع و شواهد متعدد تأیید می‌کند که رژیم پیش از خروج آمریکا از برجام، تکمیل شتابان برنامه اتمی خود را شروع کرده بود.

در همان سالی که توافق اتمی امضا شد، سازمان امنیت داخلی ایالت نورد راین وستفالن آلمان اعلام کرد که ۱۴۱ مورد تلاش برای خرید تجهیزات برنامه اتمی از جانب رژیم ایران را ثبت کرده است. سرویس‌های اطلاعاتی این کشور در گزارش‌های مستند دیگری فاش کردند که در هر یک از سال‌های بعد از امضای برجام، رژیم تلاش کرده بود از شرکت‌های آلمانی مواد و فناوری مورد نیاز در ساخت جنگ افزارهای کشتار جمعی را خریداری کند.

در واقع رژیم از معامله اتمی مثل آتش بس در یک جنگ در شرف شکست استفاده کرد تا به تجدید قوا و گسترش برنامه اتمی‌اش بپردازد. و در اردیبهشت ۹۶ آخوند روحانی رئیس جمهور رژیم، با انتشار کتابی نوشت:

اگر شرایط قبل از برجام ادامه می‌یافت «دیگر نیازی به حمله نظامی گسترده از سوی دشمن وجود نداشت بلکه کشور از درون به مرحله فروپاشی می‌رسید». (۲)

با آنچه که به‌طور خلاصه توضیح دادم، روشن می‌شود که در هر مرحله، چطور رژیم با فریبکاری و گرفتن امتیاز مسیر رسیدن به بمب را ادامه داده است. نتیجه این‌که خامنه‌ای در حال ساختن بمب است و از آن دست برنخواهد داشت. هر توافقی هم که برای کاهش این فعالیت‌ها امضا کند و هر قولی که بدهد، دروغ محض است.

فراموش نکنیم که در ۲۰ سال گذشته هیچ‌یک از سایت‌های اتمی یا هیچ یک از فعالیت‌های مخفی

مربوط به این برنامه را رژیم، خودش اعلام نکرده است، مگر آن که پیشاپیش توسط مقاومت ایران یا سایر منابع افشا شده باشد. یک نمونه بسیار مهم این است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رد اورانیوم غنی‌شده را حداقل در سه سایت اتمی کشف کرد. در حالی که رژیم تا پیش از اعلام آژانس، آن را گزارش نکرده بود. و مجوز بازدید از این سایت‌ها را هم زمانی صادر کرد که آن‌ها را تخریب و پاکسازی کرده بود.

خواست مردم ایران از جامعه جهانی

بنابراین از جانب مردم و مقاومت ایران اعلام می‌کنم هر توافقی که بساط بمب‌سازی و غنی‌سازی و سایت‌های اتمی رژیم را به‌طور کامل جمع نکند، پذیرفته نیست. و مردم ایران آن را نمی‌پذیرند. هر توافقی که ولایت فقیه را به خارج کردن پاسداران از عراق و سوریه و یمن و لبنان وادار نکند، پذیرفته نیست. زیرا بازهم صلح و آرامش در منطقه و جهان به گروگان گرفته شده و قربانی می‌شود. از جمله هرگز مشکل مردم فلسطین حل نخواهد شد، زیرا رژیم آخوندی مانع آن است. و باید از رژیم آخوندی و مزدورانش در منطقه خلع ید شود. چه در عراق و سوریه و لبنان و یمن و چه در افغانستان.

از یاد نمی‌بریم که چطور سال گذشته پاسداران خامنه‌ای، برادران افغان ما را بعد از شکنجه با بی‌رحمی در رودخانه هریرود انداختند. این فاجعه به همه یادآوری کرد که مردم افغانستان و مردم همه کشورهای منطقه دشمن مشترکی دارند که رژیم حاکم بر ایران است. در مورد مذاکرات اتمی، هر توافقی که نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران را در نظر نگیرد و آخوندها را وادار به توقف شکنجه و اعدام جوانان ایران نکند، ذره‌یی مشروعیت ندارد. مردم ایران چنین توافقی‌هایی را نمی‌پذیرند و نخواهند پذیرفت.

هر چیز کمتر از این در هر لفافه‌یی هم که پیچیده شود قبول کردن فاجعه آخوندهای اتمی است. بنا به تجربه ۴۰ ساله با خلافت دینی حاکم بر ایران، آخوندها فقط زبان قاطعیت و قدرت را می‌فهمند. و لازمه جلوگیری از دستیابی به بمب اتمی، اعمال مجدد ۶ قطعنامه شورای امنیت، توقف کامل غنی‌سازی، تعطیل سایت‌های اتمی، بازرسی‌های هر زمان و هر مکان و توقف برنامه موشکی رژیم آخوندی است. شورای امنیت باید رژیم آخوندی را ذیل فصل هفت منشور ملل متحد قرار دهد.

هزینه هنگفت اتمی و فقر گسترده در ایران

واقعیت بسیار مهم این است که برنامه بمب‌سازی اتمی برای خامنه‌ای بخش مهمی از استراتژی فرار از سرنگونی است. او صدها میلیارد دلار هزینه و ضررهای سنگین ناشی از این برنامه را به مردم ایران تحمیل کرده و از سفره‌های آن‌ها دریغ کرده است.

راستی چرا کرونا در ایران تا امروز جان بیش از ۳۲۰ هزار هموطن ما را گرفته است، در حالی که بسیاری از آن‌ها قابل نجات دادن بودند؟

چرا بالاترین قربانیان کرونا در جهان به نسبت جمعیت در ایران واقع شده است؟ چرا در کشور نفت و گاز و پتروشیمی، مردم میلیون‌ها میلیون از گرسنگی به‌خود می‌پیچند؟

روز اول آذر ماه سال قبل، انتشار فیلم خودسوزی یک مادر ۳۵ ساله در کنار فرزندش جامعه ایران را شوکه کرد. این خودسوزی بعد از آن رخ داد که مأموران رژیم در بندرعباس تنها سرپناه کوچک این مادر سرپرست خانوار را تخریب کردند. دختر بچه معصومی در کنار پیکر آتش گرفته مادرش فریاد می‌زد و کمک می‌خواست.

در ۱۳ بهمن وقتی محمد از کودکان کار در بندر ماهشهر خود را به‌دار آویخت. بسیاری از مردم به‌خاطرش اشک ریختند. این کودک نان‌آور خانواده، فقط ۱۴ سال داشت. او سال گذشته درس و کلاس را کنار گذاشت و آب‌فروشی می‌کرد. اما با شیوع کرونا دیگر کسی از محمد آب نخرید و او جان خردسالش را که تحمل درد جانکاه فقر و بی‌پناهی را نداشت، به‌باد فنا سپرد.

این وقایع تلخ و فاجعه بار که هر روز جان و روان ما و مردم ما را به آتش می‌کشد، وقایع عصر گرسنگی و بیماری است که آخوندها بر سرنوشت مردم ایران حاکم کرده‌اند.

اما با همه این درد و رنج‌ها، اراده مردم و مقاومت ایران این است که دیکتاتوری مذهبی، را چه با اتمی، چه بی‌اتمى سرنگون کنند. و سرنگون خواهند کرد.

گرانی، فقر و گرسنگی میلیونی در ایران بیداد می‌کند. در دوره هشت ساله آخوند روحانی، قیمت مواد غذایی بیش از پنج برابر شده است. زیرا آخوندها عمده‌داری کشور را صرف برنامه اتمی و موشکی خود می‌کنند تا قدرت پوسیده‌ی را حفظ کنند که تاریخ مصرف آن تمام شده است.

همچنان‌که مسعود رجوی گفته است: «کدام ایرانی وطن‌پرست، کدام نیروی ملی و آزادیخواه، و کدام نیروی پیشرو و ترقیخواهی است که تیغ را در کف زنگی و بمب‌اتم را در دست شحنة مست ولایت ببیند و طاقت بیاورد؟ و راستی آیا قبل از انرژی هسته‌ی، این آزادی و حاکمیت و کار و نان و

مسکن نیست که حق مسلم ملت ایران است؟» بله آزادی و دموکراسی حق مسلم مردم ایران است.

سرنگونی رژیم چه با اتمی، چه بی اتمی

تحریم سراسری و بی سابقه نمایش انتخابات اخیر، فقط به معنی رویگردانی از رژیم نیست، بلکه پشتوانه اجتماعی خیزش‌های گسترده‌ی است که در سال‌های اخیر علیه رژیم آخوندی جریان پیدا کرده است. تحریم شعبده انتخابات رژیم، آن روی سکه قیام آبان ۹۸ است، که رژیم هنوز از آن هراسان و وحشت‌زده است.

استراتژی خامنه‌ای به تعویق انداختن سرنگونی است. یادآوری می‌کنم که شاه، دیکتاتور سرنگون شده پیشین نیز، رژیم خودش را به انواع تسلیحات پیشرفته، از جمله مدرن‌ترین جنگنده‌های ساخت آمریکا مجهز کرده بود. اما زمانی که قیام‌ها بالا گرفت آن همه ساز و برگ نظامی گران‌قیمت و آن جنگنده‌های پیشرفته هیچ‌کدام به داد شاه نرسید.

خامنه‌ای سقوط حکومت‌های عراق و لیبی را این‌طور جمع‌بندی کرده است که دستیابی به بمب اتمی تضمین بقای رژیم ولایت فقیه است. اما وقتی قیام‌هایی مانند قیام آبان فوران می‌کند، سانتریفیوژهای نطنز یا فردو هر کیفیت و کمیتی که داشته باشند، خامنه‌ای را نجات نخواهند داد. کانون شورشی، ارتش آزادی و ارتش بزرگ گرسنگان و بیکاران و تهیدستان استراتژی بمب و موشک و جلا را در هم خواهد شکست.

رژیم ولایت فقیه چه با اتمی، چه بی اتمی، با قیام مردم ایران و ارتش بزرگ آزادی سرنگون می‌شود. ما با هم به استقبال ایران آزاد می‌رویم.

درود بر همه شما